

رونمایی از کتاب جدید آیت‌ا...علم الهدی

اگر حضرت زهرا(س) ساکت می‌شد

اسلام سقوط می کرد

حمید محمدیان: نماینده ولی فقیه در خراسان رضوی گفت:اگر قیام و بصیرت‌افزایی حضرت صدیقه کبری(س) نبود و در برابر انحراف ساکت بود،اسلام سقوط می کرد.آیت‌ا. سیداحمد علم‌الهدی در نشست با عنوان بصیرت فاطمی، ولایت‌مداری و مقاومت علوی و مراسم رونمایی از کتاب «مشروعیت قیام و تشکیل حکومت در عصر غیبت امام‌زمان(عج)»، گفت: انقلاب اسلامی تنها جایگزین عنصر قدرت و مدیریت کشور نبود،بلکه ایجاد و زمینه‌سازی و آمادگی مردم دنیا برای برقراری حکومت جهانی ولایی اسلام به دست امام عصر(عج) است.نماینده ولی فقیه در خراسان رضوی درباره سردار شهید حاج قاسم سلیمانی به عنوان کسی که به ادامه خط انقلاب و مبارزه‌اعتقاد داشت،بصیرت داشتن راززشی دانست که در وجود این شهید بود. عضوشرای عالی حوزه علمیه خراسان بابیان اینکه سکوت، زمینه‌ساز حرکت و جنگ نه‌روان بود، گفت:اصل فتنه سال ۸۸،رائ‌الگیس با حمایت امریکا و فریب جریان شکست خورده انتخابات ا‌ه انداخت و در حالی که این‌هانی توانستند به نظام ضربه بزنند، سکوت خواص و نخبگان ضربه زد. به گفته او اگر بصیرت و رهبری نبود، بالای دوران صدراسلام با سکوت و بی‌بصیرتی خواص، برای نظام اسلامی ایران رخ می داد.

برگزاری نشست «جوانان مکتب حاج قاسم»

هم‌زمان با سالروز حماسه ۹ دی و شهادت سردار سلیمانی نشست کتاب‌خوان ویژه «جوانان مکتب حاج قاسم» با شعار جوان، ولایت‌پذیری و بصیرت در اداره کل کتابخانه‌های عمومی خراسان رضوی برگزار شده‌گزارش خبرنگار ما مدیرکل کتابخانه‌های عمومی خراسان رضوی در این نشست خبرگفت: برگزاری نشست‌های کتاب‌خوان یکی از مهم‌ترین برنامه‌های فرهنگی نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور برای تأثیرگذاری بر فرهنگ اجتماعی و ارتقای میزان مطالعه در کشور است که از جایگاه ویژه‌ای برخوردار شده است.حجت‌الاسلام علی اکبر سبزیان معرفی کتاب خوب و تأثیرگذار از زمینه‌ای برای هدایت علاقه‌مندان به کتاب و کتاب‌خوانی دانست.

روایت گردستان، در نشست ادبی شمس

گروه فرهنگ: کتاب «خاطرات جاوید» به قلم سیدعلی‌رضامیری که روایت جاوید نظام‌پور درباره شهید کاوه ونبرد گردستان است،در هفتادوهفتمین نشست ادبی شمس در ایام فاطمیه و در آستانهٔ سالروز شهادت سردار سلیمانی بررسی شد. به گزارش خبرنگار ما سیدعلی‌رضامیری، جانباز مشهدی و نویسنده کتاب «خاطرات جاوید»،بیان خاطرات دوران جنگ و حفظ ونگهداری از آن را یکی از فرامین مقام معظم رهبری بیان کرد و گفت:اینکه نیروها از کدام تپه و آب عبور کردند مهم است اما مهم‌تر از آن روحیه رزمنده‌ای بود که در سرمای کشنده تا گردن در آب فرو می رفت که از رودخانه عبور کند و حتی زمانی که شهادت هم‌رزانش را به چشم‌نظاره گر بود به راهش نشان می داد تا وظیفه خود را به پایان برساند.در این نشست که با حضور جمع محدودی از نویسندگان و علاقه‌مندان به ادبیات دفاع مقدس در محل پایگاه آداب زیارت شهید هاشمی‌نژاد صحن جامع رضوی برگزار شد، جاوید نظام‌پور، راوی «خاطرات جاوید» نیز گفت:معتقدم آنچه از زبان من در این کتاب‌ها برخیزد، باهدایت خودشه‌دا صورت گرفته و آن‌ها نظاره‌گر هستند. هدف از بیان خاطرات و چاپ و نشر آن،نگهداری وقایع این دوره از تاریخ کشور و انسان‌های آن برای آیندگان است.پیشتر نیز اما سیدعلی‌رضامیری در گفت‌وگویی با شهرآرآیپان کرده بود که خاطرات جاوید نظام‌پور، نخستین فرمانده ادوات لشکر ویژه شه‌دا به ۳جلد کتاب تبدیل خواهد شد که جلد اول آن با عنوان «خاطرات جاوید» از سوی نشر ستارها و در ۱۸۰۶صفحه در سال ۹۷، روانه بازار شده است. این جلد از کتاب به روایت کودکی و نوجوانی جاوید نظام‌پور و حضورش در جبهه‌های گردستان و هم‌رزمی با شهید محمود کاوه اختصاص دارد. به گفته این نویسنده، در جلد دوم، اتفاقات آزادسازی پیران، محور اصلی داستان است. این جلد از کتاب هم، در ۲۵۰صفحه و ۱۴۰۵ عملیات را روایت می کند. جلد سوم خاطرات جاوید هم، ادامه داستان‌های گردستان و بعد از تشکیل لشکر ویژه شه‌دا به فرماندهی شهید کاوه است و با شهادت ایشان در سال ۶۹در گردستان پایان می‌یابد.

رونمایی از مجموعه اهدایی سردار سلیمانی

سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی در شصت‌وهفتمین سه‌شنبه علمی فرهنگی خود از مجموعه منابع این مرکز با محوریت سردار شهید سلیمانی با حضور تعداد محدودی از کارشناسان و بیناری رونمایی کرد. نسخه خطی «کنز‌اللغات»، پرچم اهدایی گنبد حرم مطهر حضرت ابالفصل(ع)، پایگاه اختصاصی شهید سلیمانی در کتابخانه دیجیتال رضوی و کتاب‌های چاپی منتشرشده در ارتباط با این سردار شهید، مجموعه مواردی هستند که در این مراسم از آن‌ها رونمایی شد. به گزارش خبرنگار ما به نقل از گنجینه رضوی کارشناس نسخ خطی کتابخانهٔ آستان قدس رضوی در ارتباط با نسخهٔ خطی رونمایی شده گفت: «کنز‌اللغات» یکی از سه کتابی است که از سوی سردار حاج قاسم سلیمانی به مقام معظم رهبری اهدا شده بود و ایشان در مرداد ۱۳۹۸ با کتابخانهٔ آستان قدس هدیه کرده‌داند.

به گفته سیدرضا صداقت حسینی این نسخه اثر محمدبن عبدالخالق مشهور به ابن معروف (قرن ۹ق) است.

رونمایی از پرچم گنبد حرم حضرت عباس(ع) بخشی دیگر از این مراسم بود. جواد فرهمندنژاد، دبیر سه‌شنبه‌های علمی فرهنگی سازمان یادشده، با بیان اینکه این تنها یک نمونه از اشیای موزه‌ای اهدایی سردار سلیمانی است، از وجود پرچم گنبد حرم امام حسین(ع) و عصای عاج در موزه خبر داد و گفت: این مجموعه به دست شهید سلیمانی به مقام معظم رهبری اهدا شده بود و ایشان در سال‌های گذشته به موزهٔ آستان قدس رضوی اهدا کردند که در گنجینه هدایای مقام معظم رهبری (مدظله) واقع در صحن کوثر حرم مطهر رضوی درحال نمایش است.

همچنین رئیس کتابخانهٔ دیجیتال آستان قدس رضوی در این مراسم با بیان اینکه پایگاه‌های موضوعی با هدف ایجاد دسترسی متمرکز پژوهشگران ایجاد می‌شود، در ارتباط با پایگاه تخصصی شهید سلیمانی توضیح داد: در این پایگاه تخصصی منابع در موضوعات مختلف زندگینامه، شخصیت، اقدامات، مجاهدت‌ها، سرافرازی‌ها، شهادت و... ایشان در کتابخانه دیجیتال آستان قدس رضوی رانداذاری شده است. به گفته علی ضرابی این پایگاه شامل حدود ۱۶۶۰ منبع دیجیتال از قبیل کتاب چاپی، عکس، فیلم، بریده جراید، مقاله، پوستر و ... در موضوع شهید حاج قاسم سلیمانی است که علاوه بر ارائه اطلاعات کتاب‌شناختی، امکان مطالعه و تورق آزاد منابع، امانت دیجیتال منابع و خدمات تحویل مدرک دربار منابع موجود نیز فراهم شده است.

شهر

روزنامه شهرامیدوزنگی

شهرآرامیدوزنگی

شهرآرامیدوزنگی

شهرآرامیدوزنگی

شهرآرامیدوزنگی

شهرآرامیدوزنگی

شهرآرامیدوزنگی

شهرآرامیدوزنگی

شهرآرامیدوزنگی

شهرآرامیدوزنگی

شهرآرامیدوزنگی

شهرآرامیدوزنگی

شهرآرامیدوزنگی

شهرآرامیدوزنگی

شهرآرامیدوزنگی

شهرآرامیدوزنگی

شهرآرامیدوزنگی

شهرآرامیدوزنگی

شهرآرامیدوزنگی

شهرآرامیدوزنگی

شهرآرامیدوزنگی

شهرآرامیدوزنگی

شهرآرامیدوزنگی

شهرآرامیدوزنگی

شهرآرامیدوزنگی

شهرآرامیدوزنگی

شهرآرامیدوزنگی

شهرآرامیدوزنگی

شهرآرامیدوزنگی

شهرآرامیدوزنگی

شهرآرامیدوزنگی

شهرآرامیدوزنگی

شهرآرامیدوزنگی

شهرآرامیدوزنگی

شهرآرامیدوزنگی

شهرآرامیدوزنگی

شهرآرامیدوزنگی

شهرآرامیدوزنگی

شهرآرامیدوزنگی

شهرآرامیدوزنگی

شهرآرامیدوزنگی

شهرآرامیدوزنگی

شهرآرامیدوزنگی

شهرآرامیدوزنگی

شهرآرامیدوزنگی

شهرآرامیدوزنگی

شهرآرامیدوزنگی

شهرآرامیدوزنگی

شهرآرامیدوزنگی

شهرآرامیدوزنگی

شهرآرامیدوزنگی

شهرآرامیدوزنگی

شهرآرامیدوزنگی

شهرآرامیدوزنگی

شهرآرامیدوزنگی

شهرآرامیدوزنگی

شهرآرامیدوزنگی

شهرآرامیدوزنگی

شهرآرامیدوزنگی

شهرآرامیدوزنگی

شهرآرامیدوزنگی

شهرآرامیدوزنگی

شهرآرامیدوزنگی

شهرآرامیدوزنگی

شهرآرامیدوزنگی

شهرآرامیدوزنگی

شهرآرامیدوزنگی

شهرآرامیدوزنگی

شهرآرامیدوزنگی

شهرآرامیدوزنگی

شهرآرامیدوزنگی

شهرآرامیدوزنگی

شهرآرامیدوزنگی

شهرآرامیدوزنگی

شهرآرامیدوزنگی

شهرآرامیدوزنگی

شهرآرامیدوزنگی

شهرآرامیدوزنگی

پرونده‌ای در نکوداشت مرحوم محمدحسن راستگو به مناسبت چهلمین روز درگذشتش

راستگوی بچه‌ها



گروه فرهنگ

«یک روز، گذر یکی از مراجع عظام تقلید، حضرت آیت‌ا... مکارم شیرازی به یکی از کلاس‌های پدر افتاده بود. مرحوم حاج آقا می گفت: همین‌طور که مسن برای بچه‌ها صحبت می‌کردم، می‌دیدم که شانه‌های ایشان از خنده تکان می‌خورد و خیلی از سبک آموزش من خوشی آمده بود. پس از پایان کلاس فرمودند: تصور ما از کلاس‌های شما چیز دیگری بود. اما شیوه جذابی دارید.»

این چند سطر، خاطرهٔ فاطمه راستگو، تنها دختر زنده‌یاد حجت‌الاسلام و المسلمین محمدحسن راستگو از پدرش است که ما را یاد تصویر عمو راستگو در تلویزیون و حال و هوای اجراهای او در دهه ۶۰ خورشیدی می‌اندازد.

به مناسبت چهلمین روز درگذشت شیخ قصه‌گو، گفتارهایی درباره او جمع‌آوری کردیم که در ادامه می‌خوانید. همچنین خانواده‌ایشان در چهلمین‌روز از وفات این روحانی سرشناس و دوست کودکان، ساعت ۱۵امروز، دهم‌دی، کنار آرامگاه ابدی‌اش در آرامگاه خواجربیع‌گردهم‌می‌آیند. روحش شادا

- به یاد پدر

دختر عمو راستگوی مشه‌دی‌ها نه، بلکه کل ایران، شغل پدرش را دنبال کرده و به امر آموزش مبلغان و طلاب و مربیان برای کار با کودکان و نوجوانان در داخل و خارج کشور مشغول است. او که هم اکنون مدیر کانون فرهنگی تبلیغی حسنات در مشهد است، می‌گوید: پدر می‌گفت پیش از انقلاب، اوایل طلبگی در یکی از منابع به روایتی از امام صادق(ع) بر خوردم که خیلی تحت‌تأثیر قرار گرفتم. جریان از این قرار بود که امام صادق(ع) شخصی را برای تبلیغ فرستاد. وقتی تبلیغ آن شخص تمام شد و پیرزن به مسجد می‌آمد، امام صادق(ع) می‌فرماید: این کار خیر، بر تو باد به تازه‌ها، نوا، زیرا آن‌ها سریع‌تر به‌ر کار خیری روی‌آورند، بهتر بود برای تبلیغ، کودکان را نوجوانان را انتخاب می‌کردی. چرا سراغ افراد مسن رفته‌ای؟ حاج آقای فرمود من وقتی این روایت را خواندم، تصمیم گرفتم برای تبلیغ سراغ بچه‌ها و به اصطلاح خودشان تازه‌ترها و نوترها بروم. از همان زمان نیز عزمش را بر این ای‌کار کردم و می‌گفت از آنجایی که هدفم عالی بود دیگر به خواشی و طعنه‌ها اهمیتی نمی‌دادم. می‌گفت: من با امام صادق(ع) عهد بستم که می‌خواهم راه شما را ادامه دهم؛ شما چهار هزار شاگرد داشتید، من هم می‌خواهم مانند شما به تربیت طلاب بپردازم. گاهی می‌خندید و می‌گفت: با خودم گفتم آیا می‌توانم از امام صادق(ع) در تعداد شاگردان پیشی بگیرم؟

- از حاج‌آقای راستگو دعوت می‌کنم...

فاطمه راستگو با بیان اینکه شیوه تربیتی ایشان همراه با قصه‌گویی و طرح معما بود، تعریف می‌کند: هر سوالی که از پدر می‌پرسیدم را با یک قصه و داستان و حکایت از اهل بیت(ع) و قصص قرآنی پاسخ می‌گفت. یکی از روش‌های ایشان که با وجود ما حب اهل بیت(ع) را نهادینه کرده، این بود که مثلاً تماس می‌گرفت و

تعداد شاگردان پیشی بگیرم؟
● از حاج‌آقای راستگو دعوت می‌کنم...
● به همراه راستگو با بیان اینکه شیوه تربیتی ایشان همراه با قصه‌گویی و طرح معما بود، تعریف می‌کند: هر سوالی که از پدر می‌پرسیدم را با یک قصه و داستان و حکایت از اهل بیت(ع) و قصص قرآنی پاسخ می‌گفت. یکی از روش‌های ایشان که با وجود ما حب اهل بیت(ع) را نهادینه کرده، این بود که مثلاً تماس می‌گرفت و

تعداد شاگردان پیشی بگیرم؟
● از حاج‌آقای راستگو دعوت می‌کنم...
● به همراه راستگو با بیان اینکه شیوه تربیتی ایشان همراه با قصه‌گویی و طرح معما بود، تعریف می‌کند: هر سوالی که از پدر می‌پرسیدم را با یک قصه و داستان و حکایت از اهل بیت(ع) و قصص قرآنی پاسخ می‌گفت. یکی از روش‌های ایشان که با وجود ما حب اهل بیت(ع) را نهادینه کرده، این بود که مثلاً تماس می‌گرفت و

می‌گفت: من دو ساعت دیگر به منزل می‌رسم. امشب هم ولادت امام محمدباقر(ع) است. بر نامه را آماده کنید. من و برادران کوچک‌ترم خانه را تزئین می‌کردیم و برنامه‌ای تدارک می‌دیدیم. مثلاً پدر به من آدرس می‌داد که در فلان قفسه، فلان کتاب مربوط به امام باقر(ع) است. متن اجرا را از آنجا انتخاب کن. من هم که مجری بودم متنی را متناسب با ولادت امام باقر(ع) انتخاب می‌کردم. اگر میوه و شیرینی در منزل بود هم برای پذیرایی آماده می‌گذاشتیم و نمایشی را هم ترتیب می‌دادیم. پدر و مادر نقش شرکت‌کننده‌ها را ایفا می‌کردند و ما سه نفر هم اجرای برنامه را بر عهده داشتیم. همه ولادت‌های ائمه به همین شکل در منزل ما برگزار می‌شد. بر نامه هم به شکل خیلی

جدی بود و پدر هم با عبا و عمامه در جلسه حاضر می‌شد. در پایان می‌گفتم: از جناب حاج‌آقای راستگو دعوت می‌کنم ما را از بیانات خود مستفیض کنید، بعد ما کنار مادر در جایگاه شرکت‌کننده می‌نشستیم و پدر هم حدود یک ربع راجع به امام باقر(ع) صحبت می‌کرد و در نهایت هم به ما عیدی می‌داد. پدر به شکل عملی «یحزنون لحزننا و یفرحون لفرحنا» را در منزل پیاده می‌کرد.

- نبوغ ذاتی در تربیت کودکان داشت

حجت‌الاسلام سید محمدعلی اب‌ط‌حی نیز نقل می‌کند: فکر کنم ده یا یازده سال بود، که با آقای راستگو آشنا شدم. آقای راستگو در محله‌ای به نام آپکوه –آن موقع آخر شهر مشهد بود– زندگی می‌کردند. پدر ایشان در آن محله پیشمنار و فرد خیلی محترمی بود و در عین اینکه آخوند محله بود، زیر نقارخانه –آن موقع که هنوز اطراف حرم را خراب نکرده بودند– یک مغازه انگشترفروشی و انگشترسازی داشت و ما خیلی وقت‌ها با آقای راستگو می‌رقتم. مغازه پدرش می‌نشستیم، اما بعدها، آن اطراف را خراب کردند و مغازه ایشان هم از بین رفت. اب‌ط‌حی با پادی از پدرش می‌گوید: محمدحسن راستگو یکی از آن‌هایی بود که در کانون بحث و انتقاد و در کارهای درسی دوروبر پدرم بود و به خانه ما رفت‌وآمد داشت. ایشان با ابوی من و مرحوم شهید هاشمی‌نژاد در همان کانون بحث و انتقاد دینی آشنا شدند و به عنوان یک طلبه با نشاط جوان از همان ابتدا بسیار باهوش و مبتکر و هنرمند بود. محمدحسن، چندسالی از من بزرگ‌تر و آن موقع تحصیلات مقدماتی را گذرانده بود و فکر می‌کنم لمعه‌می خواند که من

تعریف می‌کند: این منظره هیچ‌وقت یادم نمی‌رود یک خودکار ۲۰ رنگ داشت که هر کدام از این دکه‌هایش را افشار می‌داد، یک رنگی می‌نوشت؛ با این خودکار مشغول بود، رنگ‌های مختلف را در هم وارد می‌کرد. یک نوع نبوغ ذاتی در ارتباط با مسئله تربیت کودک داشت. ضمناً خیلی متدب‌ن و پایبند بود و همیشه آرویش فعالیت برای کودکان بود. شاید از سال ۵۲، ۵۳ زمانی که آقای راستگو شانزده، هفده سال داشت مشغول این تفکر بود و بسیار سر این نبوغ و علاقه‌مندی به کودک دغدغه داشت. گاهی وقت‌ها هم که صحبت می‌شده، می‌گفت من اگر بتوانم این کار را انجام بدهم، کار مفیدی است.

- فقیه نشد، استاد کودکان شد

حجت‌الاسلام و المسلمین محمدرضا نورالهیان، استاد دانشگاه تربیت مدرس و حوزه نیز در باره سال‌های آشنایی با مرحوم محمدحسن راستگو می‌گوید: مرحوم راستگو مشه‌دی بود، اما تبار آن‌ها از استان یزد بود. پدر مومن ایشان بالقمه حلال و پناهت‌ها دقت‌کند و روزی می‌کرد، هر روز از دور به سمت بارگاه امام ر‌ضاع(ع) عرض ارادت‌ی به حضرت ر‌ضاع(ع) و سپس مغازه را با می‌کرد. بازر و مجاور رفتاری بسیار مومنه‌ان اخلاق مدارانه داشت.

او با بیان اینکه آقای راستگو یک اعجوبه در آفرینش سبک، محتوا، وزن کلام و ارائه مطلب با انواع مختلف روش‌های جدید برای جذب مخاطب بود، به یاد می‌آورد که او خط و صوت زیبایی داشت. یکی از برترین انتخاب‌های درست‌عمرش که تا روز آخر حیات به آن وفادار ماند این بود که به جای اینکه فقیه و مجتهد

مدرس کودک و نوجوان او می‌نشستند. یکی از شیوه‌های او در قبل از انقلاب شرکت در مجالس شادی‌بخش بود و شادی می‌آفرید. در مجالس جشن تکلیف، جشن تولد، جشن پایان دوره تحصیلی از ابتکار عمل بالایی برخوردار بود و باعث جذب این نوجوانان به اسلام در زمان خود بود. در اوج این شیوه فعالیت در سال ۵۲ نوجوانان را در جشن تکلیف به خود جذب کرد که هنوز از او ی‌ساد می‌کنند و می‌گویند با همه مخصوصاً بچه‌ها گرم می‌گرفت و گاهی در مجالس از شیوه‌های ورزشی هم استفاده می‌کرد و باهمان قد و قیافه «بارفیکس» می‌زد. بچه‌ها را تشویق به ورزش می‌کرد. اهل اردو بود و بسیار روحیه شاد و شادآفرینی داشت.

در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ در مدارس مرحوم عابدزاده مثل مسجدیه کوچه حسین‌باشی



عکس محمد حسن عطارانی اشپازا

شود عمده وقت خود را صرف کودکان کرد. البته باید اشاره کنم که برخی از شاگردان ایشان در حال حاضر مجتهد هستند. نوراللهیان به فعالیت‌های مرحوم راستگو پیش و پس از پیروزی انقلاب اشاره و بیان می‌کند: حجت‌الاسلام راستگو پیش از انقلاب قصه‌گویی را از مدرسه برای دوستانش شروع کرد و در محله، مدارس، مساجد

و ... ادامه داد و به استادی برجسته در موضوع کودکان تبدیل شد. آقای راستگو به همراه آیت‌ا... عبا‌یی یک بخش کودک و هنر در دفتر تبلیغات خود در قم راه‌اندازی کردند و نوجوانان علوم دینی هر روز به صورت مستمر

پای درس‌ها و بحث‌های ایشان می‌نشستند. بنابراین این دو جهت اصلی یعنی هم موسسه هنری کودک و نوجوان در قم و هم دفتر تبلیغات اسلامی و همچنین امکان فعالیت تلویزیون از ایشان چهره برجسته‌ای ساخت، به طوری که مرحوم راستگو را به کشورهای مختلف اروپایی و آسیایی دعوت می‌کردند و ایشان هم بدون اینکه چشمداشتی داشته باشند، می‌رفت. او مثل طبیعی دوره‌گرد به کشور‌های دیگر مانند ایتالیا، ترکیه، حجاز، فنلاند، فرانسه، آلمان، یونان و ... نیز سفر کرد که این سفرها بسیار مفید و مغتنم بود.

- تأثیر مسئولان کشور از درگذشت «راستگو»

سوم آذر امسال، رئیس‌جمهور، حجت‌الاسلام حسن روحانی پس از درگذشت ایشان در پیامی نوشت: در گذشت حجت‌الاسلام و المسلمین محمدحسن راستگو، خدمتگزار نام‌آشنا و پرتلاش عرصه دین و رسانه کشور، باعث تأثر و تألم خاطر شد. این روحانی با اخلاص و دلسوز، سالیان متمادی با تهیه و اجرای برنامه‌های آموزنده و جذاب در حوزه تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان، خدمات ارزنده‌ای ارائه کرد که یاد و نام او را زنده نگه خواهد داشت. همچنین حجت‌الاسلام و المسلمین سیدحسن خمینی در پیامی نوشت: ایشان از ارادتمندان با اخلاص و پاک‌سیرت حضرت امام خمینی(ره) و خدمتگزاران خلاق، صاحب‌نظر و پرتلاش حوزه تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان و عضو مؤثر شورای فرهنگی آستان مقدس امام خمینی(ره) بودند.

«بخش‌هایی از این متن از فتنه‌نامه «حریم‌امام» شماره ۴۲۲ انتخاب شده است.

همنشین کودکان

شعری از افشین علا به یاد حجت‌الاسلام راستگو/آذر ۱۳۹۹

«قصه‌های راستگو به سر رسید
عمر راستگوی قصه‌ها تمام شد...»
تا به گوشم این خبر رسید،
بخش کهنه‌ام شکست
مثل بچه‌ها شدم
کودکان سال‌های شصت...

رفتم از بزرگ‌سالی‌ام به کودکی
دیدم از صمیم جان
در اتاق کوچکی
پای حرف‌های او نشست‌ام
پشت قاب شیشه‌ای
پای قصه‌های راستگو نشست‌ام
او که بر تنش
جامهٔ رسول پاک بود
پست و منصبی نداشت
همنشین کودکان خاک بود
با گچ سفید و تختهٔ سیاه
بچه‌های نسل انقلاب را
سوی روشنی روانه کرده بود
آنس با کتاب را
بازی قشنگ کودکانه کرده بود
بچه‌های روستا و شهر و پایتخت را
پای تخته می‌نشاند
آیه‌های سخت را
مثل جرعه‌های آب
در گُلوی کودکان تشنه می‌نشاند

در کلاس او
هرکسی برای شیطنت اجازه داشت
راستگو
در جواب بچه‌ها به جای اخم
حرف‌های نازه داشت
روی تختهٔ سیاه
دست خط او که موج می‌گرفت
در میان خانه‌ها
شور کودکانه اوج می‌گرفت
با گچی که جان نداشت
نقش‌های زنده می‌کشید
هیچ‌کس در آن کلاس درس
ترس امتحان نداشت
چون که او به جای ترس
طرح خنده می‌کشید
جای میلهٔ قفس، پرندۀ می‌کشید

بچه‌ها به محض دیدنش
یا شنیدن صدای او
بارها زخنده‌روده‌رُ شدند
چشم‌هایشان ولی
با شنیدن حقایقی که پشت خنده بود
بارها ز اشک شوق پر شدند...

خوش به حال راستگو
در تمام عمر خود همان که خواست
بود
کار خویش را رها نکرد
جز به آیه‌ها و بچه‌ها
اعتنا نکرد
حرف‌های او اگرچه قصه بود
راست بود

خمینی(ره) که به پدر بزرگوارش می‌داند و از طریق شیخ حسن راستگو به علمای ثلاث، حضرات آیات خامنه‌ای، طبسی و شهید هاشمی‌نژاد و مرحوم محامی می‌رساند و در این زمینه هم فعالیت به‌سزایی داشت. علمای مشه‌د بعضی‌ها مشوق او بودند در آموزش قصه‌های قرآنی و اسلامی از جمله آیت‌ا. سیدان و سید محمد شاهرودی.

او با ارتباط‌گیری با شهید مظلوم آیت‌ا... بهشتی و آیت‌ا... شیخ ابوالحسن شیرازی و آیت‌ا... عبا‌یی خراسانی در مسیر مبارزه قرار گرفت و در این زمینه هم موفق بود تا جایی که اسم مستعار داشت و به نام «خراسانی» مشهور بود در همین راستا در سایه مبارزات مهدی فردوی و سایر دوستانش با گروه ستاره اسلام همکاری داشت و در ترسیم آرم این گروه که نماد اسلامی داشته باشد هم آقای راستگو نقش داشت.